



## وضعیت حقوقی وکالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته قانون وکلای دادگستری استان مرکزی

### هوالوکیل

مرسوم است که اشخاص جهت دریافت خدمات حقوقی و وکالتی، ضمن مراجعه به موسسات حقوقی، اقدام به اعطای وکالت محضری به موسسات حقوقی نموده و این موسسات با تشبث به وکالت ماخوذه، اقدام به اعطای وکالت به وکیل دادگستری جهت دفاع از شخص موکل در محاکم قضایی می نمایند...

متعاقبا موسسات مذکور، به جهات ارادی یا قانونی، دچار انحلال شده و عملا موکلین خود را دچار مشکلات عدیده و صعوبت در احقاق حق می نمایند.

حال سوال اینست، در صورتی که موسسات حقوقی رایج در سطح جامعه، اقدام به اخذ وکالت از اشخاص نموده و سپس دچار انحلال و انتفاء شخصیت حقوقی شوند، وضعیت حقوقی وکالت اعطایی توسط موسسات حقوقی به وکیل دادگستری جهت دفاع از موکل (ارباب رجوع) چگونه می شود؟

**برای پاسخ به این معضل، می بایست بدوا به بررسی چند گزاره پرداخته و سپس در مقام استنتاج بر آمد:**

همانطور که مستحضرید، طبق صدر ماده ۲۰۸ لایحه اصلاح قانون تجارت، به محض انحلال، شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی، پایان نیافته و شخصیت حقوقی آنها تا خاتمه تصفیه، باقی می ماند. منتها، بقای شخصیت حقوقی مذکور فقط برای امر تصفیه بوده و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه با استفاده از آن، به انجام الباقی تعهدات، می پردازد.

بدین ترتیب، موسسه ای که با تأسیس و ثبت، واجد شخصیت حقوقی گشته، با اعلام ختم تصفیه و حذف نام آن از دفتر ثبت شرکتها، فاقد شخصیت حقوقی می گردد. به عبارت دیگر، موسسه، «اهلیت» به معنی صلاحیت دارا بودن حق و تکلیف را از دست می دهد. نتیجه فقدان اهلیت اشخاص نیز، بی اعتباری اعمال



## وضعیت حقوقی وکالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته قانون وکلای دادگستری استان مرکزی

حقوقی آنان بوده ولیکن اعتقاد به بطلان پاره‌ای از عقودی که در تقسیمات حقوق دانان، شهره به عقود اذنی بوده، به‌ویژه عقد وکالتی که در زمان انحلال شخصیت حقوقی با رعایت تشریفات قانونی تنسیق گردیده، مورد تردید جدیست. مرتفع دانستن چنین وکالتی یا اعتقاد به اعتبار آن، هر یک طرفدارانی داشته که مختصراً بیان می‌گردد:

الف) قائلین به ارتفاع وکالت، برآنند که مطابق بند ۳ ماده ۶۷۸ ق.م. وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل، مرتفع گشته، آنچنانکه انحلال موسسه حقوقی نیز، مصداق موت می‌باشد.

وانگهی وفق ماده ۵۸۸ ق.تجارت «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف اَبوت و بُنوت و امثال ذلک». بنابراین شخص حقوقی که با تأسیس (معادل تولد) شخصیت یافته و همانند اشخاص حقیقی، طرف عقد و ایقاع و دارای حق و تکلیف قرار گرفته، روزی به حکم آیه شریفه «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» از بین می‌رود، آنچنانکه پس از انحلال و جری تشریفات قانونی تصفیه، شخصیتی باقی نمی‌ماند تا ادعای اعتبار وکالت تنظیمی در دوران حیات آن را داشته باشیم.

لذا انحلال موسسه و ختم تصفیه، نتیجه‌ای جز زوال شخصیت حقوقی شرکت را به دنبال نداشته و معادل فوت اشخاص حقیقی بوده که با ازهاق روح عینیت می‌یابد.

براین اساس، این دسته قائل برآنند که به محض انحلال موسسه و خاتمه جریان تصفیه، وکالت اعطائی توسط موسسه به غیر، مرتفع می‌گردد.

ب) قائلین به بقاء وکالت نیز براین باورند که مقنن در ماده ۶۷۸ ق.م. طرق ارتفاع وکالت را " عزل موکل، استعفای وکیل، موت یا جنون وکیل یا موکل " و در ماده ۶۸۳ ق.م. طرق انفساخ وکالت را " از بین



## وضعیت حقوقی و کالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته قانون وکلای دادگستری استان مرکزی

رفتن متعلق و کالت ، انجام عمل مورد و کالت توسط موکل، انجام عمل منافی با و کالت و کیل» به صورت منصوص بیان داشته، حال آنکه انحلال موسسه مصداق هیچ یک از بنود موضوع مواد ۶۷۸ و ۶۸۳ ق.م. ناظر به انقضای و کالت نمی باشد.

وانگهی، وفق ماده ۵۸۸ ق.ت. " شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف اَبوت و بُنوت و امثال ذلک "

حال آنکه ، موت، نه حق است و نه تکلیف! مضافا آنکه موت از ویژگی های طبیعی شخص حقیقی یعنی انسان بوده، لذا قابل تسری به شخص حقوقی نمی باشد.

براین اساس، انحلال موسسه را موثر در ارتفاع و کالت ندانسته و قائل بر بقاء و کالت اعطایی توسط موسسه به غیر می باشند.

علی ایحال به نظر میرسد، نظر گروه اول که قائل به ارتفاع و کالت بوده، منطبق با قانون است آنچنانکه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۷۶ - ۱۳۸۱/۴/۱۹ بر این امر صحه گذارده:

"هرچند در ماده ۶۷۸ قانون مدنی انحلال شرکت یا شخصیت حقوقی پیش بینی نشده است و این به علت آن است که ماده مذکور بیشتر ناظر به اشخاص حقیقی است ولی با توجه به بند ۳ آن ماده در صورت انحلال شرکت تجاری یا ورشکستگی آن و به طور کلی در صورت انحلال شخص حقوقی، و کالت آن نیز منتفی می شود زیرا موکلی که بتواند مورد و کالت را انجام دهد وجود ندارد تا وکیل به نمایندگی او آن را اعمال نماید و همچنین اگر شخص حقوقی وکیل باشد و منحل شود دیگر شخصی که بخواهد مورد و کالت را انجام دهد موجود نخواهد بود".



## وضعیت حقوقی و کالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

بنابراین، پس از انحلال موسسه و تا زمان ختم عملیات تصفیه، شخصیت حقوقی موسسه کماکان پابرجا بوده ولیکن پس از ختم تصویبه و حذف نام موسسه از دفتر ثبت شرکت ها، شخصیت حقوقی موسسه مرتفع و زوال می یابد.

حالیه با عنایت به این مهم و همراستا با فرض سوال، پس از انحلال و تا زمانی که عملیات تصویبه موسسه حقوقی خاتمه نیافته، شخصیت حقوقی آن جاری بوده و وکالت اعطایی به وکیل دادگستری کماکان پابرجاست.

لکن محل مناقشه آنجاست که موسسه حقوقی دچار انحلال و ختم تصویبه شده و در همین اثناء، موسسه مذکور وکالتی به وکیل دادگستری اعطا نموده است:

همانطور که عرض شد، به محض خاتمه تصفیه، شخصیت حقوقی موسسه مرتفع می گردد لکن چنانچه موسسه مذکور حسب وکالت محضری ماخوذه از شخص حقیقی، اقدام به اعطای وکالت به وکیل دادگستری جهت حضور در محکمه نماید، دو فرض مطرح است:

(۱) یک فرض آنست که موسسه اقدام به توکیل وکالت به وکیل دادگستری می نماید!

(۲) فرض دیگر آنست که موسسه اقدام به تفویض وکالت به وکیل دادگستری می نماید!

در صورت حدوث فرض اول، از آنجا که توکیل به وکیل دادگستری، در طول وکالت ماخوذه موسسه از شخص حقیقی بوده، لذا رابطه حقوقی و مالی میان موسسه با وکیل ایجاد می شود و نه وکیل با موکل اصلی. انچنانکه وکیل دادگستری، بابت حق الوکاله خود، می بایست به موسسه رجوع نماید و نه موکل اصلی...



## وضعیت حقوقی وکالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

در این فرض، چون با انجام توکیل، موسسه از گردونه رابطه حقوقی عقد وکالت خارج نشدست، لذا در صورت انتفاء شخصیت حقوقی موسسه، بالتبع وکالت وکیل دادگستری نیز مرتفع می گردد.

در صورت حدوث فرض دوم، از آنجا که تفویض وکالت به وکیل دادگستری، هم عرض وکالت ماخوذه موسسه از شخص حقیقی بوده، آنچنانکه با تفویض وکالت توسط موسسه به وکیل دادگستری، نوعی جایگزینی و جابجایی رخ می دهد و این امر موجب خروج موسسه حقوقی از گردونه عقد وکالت می شود، لذا رابطه حقوقی و مالی میان موکل اصلی با وکیل دادگستری محقق و رابطه موسسه حقوقی با وکیل دادگستری منتفی گشته و وکیل دادگستری بابت حق الوکاله خود می بایست به موکل اصلی یا همان شخص حقیقی رجوع نماید.

در این فرض، چون با انجام تفویض، موسسه از گردونه حقوقی عقد وکالت خارج شدست، لذا در صورت انتفاء شخصیت حقوقی موسسه، هیچ خللی به بقاء وکالت وکیل دادگستری وارد نمی گردد.

مع الوصف، حسب الاطلاع از موارد شایع، اصولاً و غالباً موسسات حقوقی، یا برگ وکالت نامه وکیل را به امضای موکل (شخص حقیقی) میسرسانند و یا اینکه پس از اخذ وکالت محضری از موکل، اقدام به توکیل وکالت به وکیل دادگستری می نمایند و نه تفویض وکالت!

لذا بنظر میرسد که در فرض سوال، وکالت وکیل دادگستری از طریق توکیل بوده و چنانچه ختم تصفیه موسسه محقق شدست، وکالت وکیل دادگستری نیز مرتفع و موجب زوال سمت وکیل در جریان رسیدگی می باشد.



## وضعیت حقوقی وکالت نامه های موسسات حقوقی انحلال یافته کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

شایان ذکر است، اخذ وکالت محضری توسط موسسات حقوقی، هیچ تعارضی با اصل اختصاص وکالت در محاکم به وکلای دادگستری نداشته، آنچنانکه موسسات نیز همانند هر شخص حقیقی می توانند اقدام به اخذ وکالت از موکل و سپس اعطای وکالت به وکیل دادگستری جهت حضور و دفاع در محکمه نمایند.

شهر نجفی

وکیل پایه یک دادگستری